



عالمان بی عقل ما می خواهند تاریخ آذربایجان را از تاریخ ایران جدا کنند

رسول قلی اف، رییس پیشین مجلس جمهوری آذربایجان گفت: «عالمان بی عقل ما می خواهند تاریخ آذربایجان را از تاریخ ایران جدا کنند.»

آران نیوز- رسول قلی اف در گفتگو با سایت «اوقات» گفت: «سطح زندگی در ایران، دستکم دو برابر بالاتر از (جمهوری) آذربایجان است و متوسط دستمزد ماهانه در ایران 470 دلار است. در این کشور به معنای واقعی کلمه برای شهروندان خدمات درمانی سطح بالا وجود دارد. در دانشگاه ها رشوه گرفته نمی شود. قیمت ها نیز در مقایسه با (جمهوری) آذربایجان از 30 درصد تا دویست درصد ارزان تر است. در ایران انتخابات تحت نظارت «شورای سیاسی روحانیون» برگزار می شود. اما، انتخابات تقلبی نیست. اعضای مجلس و رییس جمهوری را ملت انتخاب می کند. در انتخابات ریاست جمهوری اخیر نیز حسن روحانی برغم حمایت نشدن از طرف «شورای روحانیون» بار دیگر به ریاست جمهوری انتخاب شد و (حضرت آیت الله) خامنه ای به آن رضایت داد. در ایران، ترک ها 30 درصد اهالی را تشکیل می دهند. این سوال مطرح است که چرا ما آذربایجانی ها (شهروندان جمهوری آذربایجان) که سطح معیشتمان دویست درصد پایین تر از ایرانی هاست، تحصیل و امور درمانی مان مملو از رشوه و فساد مالی است، حقوق انسانی مان پایمال می شود، همواره تمامی انتخاباتمان ساختگی است و در وضعیت بردگی به سر می بریم، صدایمان را در نمی آوریم... برای یافتن این سوال باید قدری تاریخ را بررسی کرد.» رییس پیشین مجلس جمهوری آذربایجان افزود: «اصول دولتمداری ایران که یکی از نخستین امپراطوری های دنیا در دو هزار و پانصد سال پیش بوده، خیلی قدرتمند است. در واقع، ایران فقط در مدتی بسیار کوتاه در زمان تیمور لنگ، دولتمداری خود را از دست داد و مجدداً آن را احیاء کرد. امپراطوری ایران اراضی وسیعی را از هندوستان تا دریای مدیترانه احاطه می کرد. عالمان بی عقل ما می خواهند تاریخ آذربایجان را از تاریخ ایران جدا کنند. این سیاست (رویکرد) دروغین را امپراطوری شوروی ایجاد کرده است و تا امروز نیز نادان هایی که از ادعاهایی نظیر «آذربایجانی ها ترک هستند و امپراطوری ایران متعلق به فارس ها است» دست برنمی دارند، با افکار بی اساس خود بر پیشینه کهن آذربایجانی ها خط بطلان می کشند. برغم ادعای این سبک مغزها، امکان ندارد در تاریخ ایران با مبارزه آذربایجانی ها برای حقوق خود و خروج از ترکیب ایران مواجه شویم. کسانی که ادعا می کنند ستارخان طی سال های 1905 تا 1911 در راه (جدایی) آذربایجان مبارزه کرده است، نادان هایی بی اطلاع (از تاریخ) هستند. در سال 1908، در خیلی از شهرها علیه شاه (قاجار) که می خواست قانون اساسی جدید و مجلس انتخاب شده از طریق دموکراتیک را منحل کند، قیام شد. جدی ترین مقاومت در مقابل ارتش 40 هزار نفری شاه در تبریز به رهبری ستارخان صورت گرفت. از تمامی ایالت های ایران، فارس ها و کردها و سایر طرفداران قانون اساسی به نیرویی که ستارخان تشکیل داده بود، پیوستند. دعوی آنها، دعوی منطقه ای نبود، بلکه دعوی برای احیای قانون اساسی بود. در ایران، ملت در دوره های مختلف علیه رژیم به پا خواسته است. از سال 1920 تاکنون دستکم پنج بار با نیروی ملت رژیم ایران تغییر داده شده است. ... نقش عامل خارجی و در واقع آمریکا را در گسترش این حرکت (تظاهرات) در ایران نمی توان انکار کرد. رسول قلی اف درباره مطرح شدن به اصطلاح مساله «آذربایجان جنوبی» (نام جعلی رایج در باکو برای معرفی مناطق آذری نشین ایران) نیز گفت: «مساله «آذربایجان جنوبی» کی در ایران وجود داشته است که مجدداً مطرح شود؟ اگر شما در بیان این مساله، سخنان محمودعلی چهرگانی را که فردی بی خبر از دنیاست، مبنا قرار می دهید و فکر می کنید که مساله «آذربایجان جنوبی» وجود دارد، اشتباه می کنید. در آمریکا، ایرانی های زیادی زندگی می کنند. من یک بار هم نشده است که از زبان ایرانی های ساکن نیویورک یا کالیفرنیا شنیده باشم که بگویند «من از آذربایجان جنوبی هستم». همه آنها خود را ایرانی می دانند و همیشه صرف نظر از قومیتشان به عنوان ایرانی تجمع می کنند. هیچ کس ایران را متعلق به فارس ها نمی داند.»

رسول قلی اف در بخش دیگری از این مصاحبه گفت: «اگر در مطرح شدن ملت 50 میلیونی آذربایجان، زندگی کردن 40 میلیون آذربایجانی (آذری) در ایران ادعا می شود، این نیز رقمی بی پایه است. زیرا در ایران حداکثر نزدیک به 20 میلیون نفر که اصالت ترکی دارند از جمله ترکمن ها زندگی می کنند. در تبریز که یکی از بزرگترین شهرهای ایران است، یک میلیون و پانصد هزار نفر و در اردبیل نیز ششصد هزار نفر زندگی می کنند. مساله اصلی، تعداد جمعیت آذربایجانی ها در ایران نیست. بلکه مساله اصلی این است که آذربایجانی های ایران از کی سخنگویی خود را به ما حواله کرده اند؟ آذربایجانی های ایران به آذربایجانی های ساکن کشور مستقل (جمهوری آذربایجان) از بالا به پایین نگاه می کنند و باور دارند که زمانی خواهد رسید که این ها (مردم جمهوری آذربایجان) باز هم به ترکیب ایران ملحق و به انسان های طبیعی تبدیل خواهند شد. در مجموع، (جمهوری) آذربایجان نمی تواند سیاستی غیر از تلاش برای اثبات نزدیکی خود به فدراسیون روسیه، ایران، ترکیه و غرب یا تظاهر به آن داشته باشد.»